

ناکامی استراتیژی امریکا در افغانستان، نتیجه بازی دوگانه پاکستان است!

مروری بر گزارش های رسانه های بین المللی به ارتباط حملات تروریستی از سوی گروه های افراطی طالبان و القاعده بر مواضع نیروهای خارجی و داخلی و سازمانهای بین المللی و نهاد های بازسازی افغانستان، منجمله بر مکاتب و مراکز صحنی و پلها و جاده های و هوتلها و مراکز نظامی و امنیتی، و سفارتخانه هند در کابل و قونسلگری آن کشور در هرات و همچنان در خارج از افغانستان بیانگر این حقیقت اند که در پشت سر تمام این حملات تروریستی در افغانستان و هندوستان و حتی در لندن و مادرید و امریکا دست پاکستان دخیل میباشد.

پاکستان برای نشان دادن قدرت خود به جامعه بین المللی همواره با اعزام گروه های تندرو طالبان و لشکر طیبه به داخل هند و افغانستان هم آتش نا امنی و بی ثباتی را در افغانستان شعله ور نگاه داشته است و هم با حملات انتحاری این افراطیون جان صدها و هزاران تن از افراد غیر نظامی افغان و سربازان ائتلاف بین المللی ضد تروریسم را گرفته است. پاکستان با بازی های دوپهلوی هیچگاه دست از مداخله و سبوتاژ در امور هندوستان و افغانستان نگرفته است و باری با حملات خود بر هوتل بمبئی هندوستان در نومبر ۲۰۰۸ جهان را تا یک قدمی یک جنگ تمام عیار هسته نی نزدیک ساخت. با وجود انکار پاکستان از دست داشتن در این عملیات تروریستی سرانجام یکی از دستگیر شدگان اعتراف نمود که گروه لشکر طیبه با حمایت سازمان استخبارات نظامی پاکستان طراح و مجری این دهشت افگنی بوده اند. این عملیات وحشیانه که اعتراض شدید حکومت و مردم هند را در پی داشت، تنشج میان هند و پاکستان را تا پرتگاه یک جنگ تمام عیار ذروی محتمل ساخت. بر اثر فشار امریکایر پاکستان، آن کشور مجبور گردید تا بر مراکز پرورش لشکر طیبه حمله ببرد و تعدادی از رهبران این سازمان افراطی اسلامی را دستگیر کند.

نگاهی به اظهارات مقامات امریکائی و منابع اطلاعاتی غرب بیانگر این واقعیت است که آنها می دانستند که پاکستان در ائتلاف بین المللی مبارزه برضد تروریسم سیاست دوگانه بی را به پیش می برد، ولی با وجود فهمیدن و دیدن تلفات سربازان خود در افغانستان دندان روی جگر گذاشتند و نظاره گر این بازی از سوی پاکستان بودند. واگرگاهی اشاره بی به این مسئله میکردند، پاکستان بلا درنگ به تردید آن می پرداخت. تا اینکه امریکا دیگر مصلحت را کنار گذاشت و با یک حمله برق آسا برزیستگاه بن لادن در شهر ایبیت اباد، وی را از میان برداشت و به یکی از اهداف مهم خود دست یافت. مرگ بن لادن چلوصاف دو روئی پاکستان را از اب کشید.

میتوان تصور نمود که درک همین بازی دوگانه پاکستان با امریکا که سالانه میلیاردها دالر از ایالات متحده میگیرد، بر دیپلمات امریکائی ریچارد هالبروک چنان گران آمده بود که فکر ادامه این بازی کثیف باعث انفجار مغزی وی یعنی خون ریزی مغزی و مرگ وی در اکتوبر سال پارگردید.

هالبروک، نماینده خاص اوباما در موضوع افغانستان و پاکستان در اوایل ماه جنوری ۲۰۱۰ به جریده هفته وار "سایت" چاپ آلمان گفته بود: "جنگ افغانستان با موجودیت پاکستان دشوارتر از جنگ ویتنام است."، "این مأموریت نسبت به جنگ ویتنام دیرتر ادامه خواهد یافت و طولانی ترین مأموریت در تاریخ امریکا خواهد بود."

هالبروک در صحبتش با یوزف یوفه، خبرنگار آلمانی، گفته بود: با آنکه طالبان یک گروه پراکنده، غیر منسجم و بدون اهداف مشخصی اند، و از سوی دیگر اکثریت آنان زیر تأثیر ملا عمر، رهبر متعصب شان و یا القاعده قرار ندارند، اما نکات مشترک دیگری وجود دارند که مأموریت در افغانستان را بدتر از جنگ ویتنام ساخته است. پناهگاه و محل اختفای افراد سازمان ویتکانگ یا جبهه ملی برای آزادی جنوب ویتنام، کشور های لائوس و کمپوچیا و همچنان شمال ویتنام بود و طالبان برای این کار پاکستان را دارند. این مسأله به توانایی عملکرد ایالات متحده امریکا لطمه زده و مانع پیشبرد جنگ میگردد، زیرا شمال ویتنام را که دشمن بودند، میتوانستیم بمباردمان کنیم، اما پاکستان را نمیتوانیم، زیرا این کشور هم پیمان ما است. در هیچ جنگ دیگری امریکا تا این اندازه در کمالات لوژستیک و زمینی با مشکل روبرو نبوده است. هالبروک افزوده است: جنگی که ایالات متحده امریکا از پایان سال ۲۰۰۱ در افغانستان آغاز کرده است، تا کنون مشکل ترین جنگ برای این کشور بوده است. ("سایت، دویچه ویله، ۹ / ۱ / ۲۰۱۰)

دیپلمات دیگر امریکا، کارل ایکنبری سفیر ایالات متحده در کابل، نیز معتقد است، تازمانی که طالبان، در مناطق مرزی پاکستان پناهگاه های مطمئنی در اختیار داشته باشند، آوردن ثبات در افغانستان نا ممکن است. ایکنبری، در مکاتبات دیپلماتیک خود عنوانی بارک اوباما، که روز ۲۷ جنوری ۲۰۱۰ برای نخستین بار در نیویارک تایمز منتشر شده بصراحت گفته است: تا زمانیکه شورشیان در طول مرزهای پاکستان با افغانستان از پناهگاههای امنی برخوردار باشند

، پاکستان همچنان منشاء بی ثباتی در افغانستان باقی خواهد ماند . اگر مشکل پناهگاه های امن به طور کامل حل نشود به دست آوردن هرگونه پیروزی با اعزام نیروهای بیشتر امکان پذیر نخواهد بود " . وی افزوده است " در حالیکه به فکر افزایش گسترده حضور خود در افغانستان هستیم اما بهترین راه حل برای دشواریهایی که با آن روبرو هستیم آن است که فعالیت خودمان را در پاکستان افزایش دهیم" . (راديو آزادى، ۲۷/۱/۲۰۱۰)

در همین راستا، **جو بایدن**، معاون رئیس جمهور ایالات متحده امریکا ضمن مصاحبه ای با تلویزیون CNN در دهم فبروری ۲۰۱۰، اظهارداشت : نگرانی بزرگ من از جانب افغانستان نیست، از جانب عراق نیست ، از بحران هسته ای ایران نیست، بلکه از جانب پاکستان است. بایدن افزود : " به نظر من پاکستان کشور بزرگی است. سلاح هسته ای دارد که قادر به استعمال آن می باشد. جمعیت آن دارای یک اقلیت واقعی و قابل توجه تندروان می باشد." بایدن افزود : " دموکراسی پاکستان به طور کامل و آن طور که ما از دموکراسی برداشت داریم، کارکرد ندارد. و این چیزی است که بزرگترین نگرانی مرا می سازد". مقامات امریکا از مدتها پیش به این امر متوجه شده اند که، عناصری در درون دستگاه ISI پاکستان از افراط گرایان حمایت می کنند. (دوچه ویله ۱۱-۲-۲۰۱۰)

بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا هنگام اعلام ارزیابی استراتژی کشورش در افغانستان، روز ۱۶ دسمبر ۲۰۱۰ گفت که: تندروان طالبان در طول سال جاری بیش از ۱۸۰۰۰ حمله بر مواضع نیروهای خارجی و دولتی در افغانستان نموده اند که بر اثر این حملات ۷۰۱ نفر از نیروهای خارجی و منجمله ۴۸۰ نفر از شهروندان امریکا کشته شده اند. اوباما علاوه نمود که از پاکستان میخواهد تا لانه های تروریستان را در خاک خود نابود کند و در این راه از خود تحرک بیشتری نشان بدهد، اما پاکستان که از مسافرت اخیر رئیس جمهور امریکا به هند، رقیب پاکستان نگران شده است روابط خود را با چین بیشتر ساخته است. مسافرت صدراعظم چین به پاکستان و امضای قراردادهای تجارتي با چین که میزان تبادل تجارتي اش را از یک نیم و میلیارد دلار در سال به هفت نیم میلیارد دلار افزایش میدهد، نشان از یک نوع لج بازی سیاسی پاکستان با امریکا است که میخواهد ناخشنودی خود را از امریکا بخاطر گرم گرفتن با هند نشان بدهد. این سیاست میتواند شدت حملات طالبان را بر مواضع نیروهای خارجی بیشتر سازد.

زلمی خلیل زاد سفیر و نماینده ویژه رئیس جمهور امریکا بوش در امور افغانستان در نیمه جولای ۲۰۰۳ در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهارداشت : « پاکستان باید تمام تلاش های خویش را به خرج دهد تا جلو عبور طالبان را از خاک خود به افغانستان بگیرد ما صد فیصد تضمین میخوایم ، نه پنجاه فیصد و ما میدانیم که طالبان در کویته پاکستان برنامه ریزی می شوند.» (bbc ، ۱۵ جولای ۲۰۰۳)

وب سایت تاندر، روز دوم فبروری ۲۰۱۱ گزارشی را به نشر سپرد که در آن از قول ژورنالیست افغان، نواب مومند، ادعا شده است که سازمان استخبارات نظامی پاکستان وی راتحت فشار گذاشته است تا در بدل **دوملیون و سیصد هزار**



دالر دست به ترور سفیر هندوستان در کابل و همچنان "برامداغ بگتی" (نواسه سردار اکبر بوگتی، رهبر مبارزان بلوچ) بزند. در گزارش تصریح شده است که استخبارات نظامی پاکستان مبلغ هشتصد هزار دالر را بابت قتل رهبر بلوچ در نزد یک زرگر کابل گذاشته است که بعد از انجام ماموریت ، میتواند این پول را از زرگر تسلیم شود و برای قتل سفیر مبلغ یک ونیم میلیون دالر پرداخته خواهد شد. ژورنالیست افغان علاوه نموده است که سازمان جاسوسی پاکستان ضرب عجلی برای انجام اینکار تعیین کرده است

که در صورت نپذیرفتن او اعضای فامیلش سربه نیست خواهد شد. نواب مومند این تلاش های سازمان استخبارات پاکستان را با سایر ژورنالیستان در میان گذاشته و سپس خود را در حفاظت اداره ملل متحد قرار داده است.

آی اس آی با برنامه ریزی دقیق از ده سال بدیسو به ترور شخصیت های بانفوذ قومی در دو سوی خط دیورند دست زده و تنها در قندهار و ارزگان به ترور ۶۰۰ تن مشران قومی مبادرت ورزیده و این پروژه را در ولایات پکتیا و خوست و ننگرهار ادامه میدهد. هدف آی اس آی اینست تا هرگونه صدای مخالفت با پاکستان را از سوی نخبه گان افغان خفه کند.

بنابراین جامعه جهانی و در رأس ایالات متحده امریکا مسؤولیت دارد تا پاکستان را از ادامه سیاست حمایت از تروریستان باز داشته و کمک های اقتصادی، سیاسی و نظامی شان را از آن کشور مشروط به قطع حمایت آی اس آی و ارتش پاکستان از تروریستان نمایند. امریکا باید بر پاکستان فشار وارد کند تا در قدم اول از نقش و نفوذ نظامیان بنیادگرا در شبکه استخباراتی آی اس آی کاسته شود و ثانیاً از تقویت احزاب و گروه های تندرو بکاهد و شرایط را برای حل معضلات ارضی و مرزی که پاکستان با کشور های همسایه خود یعنی هندوستان و افغانستان مساعد کند.

اخیراً زلمی خلیل زاد، سفیر پیشین امریکا در افغانستان، عراق و سازمان ملل متحد به حکومت امریکا پیشنهاد کرده است که امریکا باید به بازی دوگانه پاکستان پایان دهد! او می گوید استراتژی توأم با تزویر پاکستان که از یک سو خود را دوست امریکا جا می زند و از سوی دیگر با امریکا دشمنی می کند، بیش ازین قابل تحمل نیست .

خلیلزاد در گفتگو با بی بی سی (۱۳ می ۲۰۱۱) روابط میان امریکا و پاکستان را بحرانی توصیف کرد و گفت که حتی پیش از کشته شدن اسامه بن لادن، پاکستان تا حدودی اعتبار خود را برای امریکا از دست داده بود، زیرا به گفته او اهداف پاکستان در قبال افغانستان کاملا متضاد آن چیزی است که امریکا می خواهد. خلیلزاد گفت: "در حالیکه ما (امریکا) دولت افغانستان را حمایت می کنیم، پاکستانی ها مشغول مسلح کردن، آموزش و حمایت از گروه های مخالف دولت افغانستان بوده است." آقای خلیلزاد می افزاید در حالی که پاکستان مدعی است در جنگ علیه تروریسم کاملا در کنار امریکا است و پیوسته دستگیری شماری از عاملان القاعده در پاکستان را دلیل این همکاری عنوان می کند، اما از اتخاذ اقدامات جدی علیه گروه های که واشنگتن آنها را تروریست می داند و در خاک پاکستان مستقر هستند، همواره اجتناب ورزیده است. به گفته او تازه ترین و صریح ترین مثال این دو رویی پاکستان افشا شدن محل اقامت اسامه بن لادن است که سالها در منزلی در نزدیکی اکادمی ملی نظامی پاکستان و یک شاخه محلی سرویس اطلاعاتی این کشور بدون مشکلی زندگی کرده بود."

طرح دو مرحله بی آقای خلیلزاد :

خلیلزاد در این طرح خود پیشنهاد میکند: "در مرحله نخست ما باید هر نوع اطلاعات مبنی بر همکاری پاکستان در محافظت از اسامه بن لادن را به صورت رسمی در اختیار رهبران پاکستانی قرار [بدهیم] و در مرحله دوم، تقاضای خود را مبنی بر اینکه پاکستان باید ستون فقرات القاعده را بشکند، جدی تر پی گیری کنیم. پاکستان در این راستا باید علیه ایمن الظواهری معاون بن لادن اقدام کند؛ محدودیت ها بر حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی را بردارد؛ پناه گاهای شورشیان در خاک خود را ریشه کن سازد؛ کارخانه های تولید بمب را که علیه نیروهای امریکایی و افغان در افغانستان استفاده می شود، ببندد و در نهایت از یک راه حل منطقی سیاسی در افغانستان حمایت کند."



آقای خلیلزاد می افزاید که این تدابیر موجب می شود تا افغانستان دوباره به پناه گاه امن تروریستان تبدیل نشود و نگرانیهای مشروع امنیتی پاکستان در افغانستان رفع شود. سپس او پیشنهاد می کند که اگر پاکستان این تقاضاها را عملی کند، امریکا می تواند در برابر آن به پاکستان پاداش بدهد. این پاداش می تواند شامل تعهدات دراز مدت کمک های تجاری و تقویت برنامه های توسعه اقتصادی و آموزش از طریق بانک جهانی و اداره توسعه بین المللی امریکا باشد.

اما اگر پاکستان همکاری نکند:

۱- نخست باید امریکا اتکا به راه های تدارکاتی از طریق پاکستان به نیروهای خود در افغانستان را کاهش دهد و در عوض راه های تدارکاتی در شمال افغانستان از طریق کشورهای آسیایی میانه را بیشتر مورد استفاده قرار دهد. ۲- ایالات متحده باید روند ایجاد، آموزش و حمایت از نیروهای امنیتی افغان را ادامه دهد و حضور نظامی خود در افغانستان را کاهش دهد اما نیرو های هوایی و اطلاعاتی را که افغانها برای مدتها به آن نیاز خواهند داشت، درین کشور نگهدارد.

۳- ایالات متحده باید توافقنامه استراتژیک حضور محدود اما دراز مدت خود در افغانستان را با این کشور نهایی کند. این توافقنامه امریکا را قادر می سازد تا پس از خروج از افغانستان عملیات های ضد تروریستی را ادامه دهد و به خطرهای احتمالی از قبیل افتادن سلاح اتمی پاکستان به دست بنیادگرایان تندرو به موقع واکنش نشان دهد.

۴- ایالات متحده امریکا می تواند از شورای امنیت درخواست کند تا با صدور قطعنامه به صورت رسمی این موضوع تحت تحقیق قرار گیرد که چگونه اسامه بن لادن توانست در چنین شرایطی در پاکستان مخفی شود. و علاوه بر این حضور القاعده و دیگر سازمان های تروریستی در پاکستان نیز از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی شود.

خلیلزاد با توجه به اینکه نفوذ کشورش در منطقه در بالاترین سطح خود قرار دارد و نیروهای این کشور حضور قدرتمند در افغانستان دارند، این را **یک فرصت طلایی برای امریکا دانسته میگوید: امریکا باید با استفاده از این فرصت پاکستان را مجبور سازد تا به صورت جدی در عملکرد خود بازنگری کند.**

این درحالی است که برخی از سناتوران وقانون گزاران امریکا نیز خواهان پاسخگویی پاکستان اند و تا فراهم کردن قناعت شان نمیخواهند از سوی امریکاحتی یک سنت دیگر کمک مالی به این کشور داده شود. افزون بر این ذهنیت جهانی نیز برای محکوم کردن پاکستان به عنوان یک کشور حامی تروریزم بیش از پیش آماده میباشد.

پایان ۱۵ / ۵ / ۲۰۱۱